

دکتر رابرت ای. پترسون، الهیات یوحنا، جلسه ۲، سبک یوحنا، بخش ۱

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر رابرت ای. پترسون در حال تدریس الهیات یوحنا است. این جلسه دوم، سبک یوحنا، بخش اول است.

ما مطالعه خود در مورد الهیات یوحنا را با توجه به سبک یوحنا ادامه می‌دهیم.

من یازده نکته برای بررسی دارم. واژگان متمایز او، یادداشت‌های توضیحی یا یادداشت‌های ویراستاری‌اش، سوء تفاهم‌ها، کنایه، معانی دوگانه، دوبهلوگویی، تقاطع یا توازی معکوس، تنوع سبک، ایده‌های عهد عتیق، نمادگرایی، دوگانه‌گرایی اخلاقی (نه هستی‌شناختی)، و اغراق. اول، واژگان متمایز

بخشی از غنای انجیل چهارم، سبک متمایز آن است. من ویژگی‌های زیر را در تلاش برای معرفی سبک یوحنا ارائه می‌دهم، سبکی که ایده‌های او را شکل می‌دهد و به ما دریچه‌ای برای ورود به اندیشه‌هایش می‌دهد - واژگان متمایز

انجیل یوحنا از نظر کلماتی که در آن آمده است، که انجیل‌های هم‌نوا فاقد آن هستند یا بسیار کمتر دارند، و از نظر کلمات حذف شده، که انجیل‌های هم‌نوا در آن گنجانده شده‌اند، متمایز است. طرح کلی من از تفسیر سی. کی. بارت بر انجیل یوحنا گرفته شده است - نکته‌ای در مورد آن تفسیر

بگذار ببینم. چهل و پنج سال پیش، به عنوان یک استاد جوان، انجیل یوحنا را کشف کردم. واقعاً هیچ واحد درسی در مورد آن در کالج یا مدرسه علوم دینی انجیل نگذرانده بودم.

و در دو مدرسه‌ای که به مدت ۳۵ سال در آنها تدریس کردم، گمان می‌کنم متخصص آن بودم، اگرچه در نهایت حتی یک محقق عهد جدید هم نبودم. اما به آن علاقه‌مند شدم، آن را بلعیدم، با آن کار کردم. هنوز ادبیات ثانویه را خیلی خوب نمی‌دانم و به عنوان عضوی از مجموعه الهیات کتاب مقدس زوندروان آندریاس کوستنبرگر را شایسته تقدیر می‌دانم.

آندریاس کاستنبرگر، *الهیات یوحنا و نامه‌هایش*، در طول این مدت چیزهای زیادی به من آموخته است. او مدام انبوهی از متون فرعی را به من نشان می‌دهد که من اطلاعات بسیار کمی از آنها دارم. اما بارها و بارها، من سپاسگزار بوده‌ام که نتیجه‌گیری‌های آندریاس، منعکس‌کننده‌ی نتیجه‌گیری‌های من است؛ از سال‌ها کار مداوم با متن، از جمله اخیراً تدریس دو دوره، یکی در نیمه راه و دیگری در نیمه راه انجیل یوحنا از آموزش الهیات بین‌المللی اصلاح‌شده، RITE طریق زوم در اوکراین با

تفسیر بارت. سی. کی. بارت، یا به عنوان دوستش، که من یکی از آنها نیستم، هرگز او را ملاقات نکردم؛ کینگزلی بارت در دانشگاه دورهام است. او یک محقق عهد جدید در سطح جهانی است

بنابراین، برای مثال، دو جلد او در مورد کتاب اعمال رسولان توسط همه به عنوان قطعی‌ترین و بهترین تفسیر در کتاب اعمال رسولان توصیه می‌شود. با این حال، او به شما خواهد گفت که منظور لوقا چه بوده است، اگرچه او لوقا را یک متکلم خیلی خوب، نه خیلی نافذ و غیره، مانند پولس نمی‌داند، و حتی گاهی اوقات لوقا را اصلاح می‌کند. خب، این با دانش من از تفسیر او بر یوحنا مطابقت دارد

من از آن استفاده می‌کردم. من چیزهای زیادی از آن یاد می‌گرفتم، چون او این توانایی را داشت که منظور یوحنا را به من بفهماند. وقتی در راهروهای جایی که به آن مدرسه الهیات کتاب مقدس می‌گفتند، قدم می‌زد، دانشجویی که او هم به همین ترتیب، احتمالاً از من، به بیماری یوحنا مبتلا شده بود، پرسید: «مقدمه تفسیر بارت درباره یوحنا را خواندی؟» «گفتم:» «می‌دانی، نمی‌دانم»

فکر نمی‌کنم. گفت شوکه شدم. گفتم: «چی؟» «گفت اصلاً فکر نمی‌کند چیزهایی که جان ثبت کرده واقعاً اتفاق افتاده باشند»

و من بیشتر از او شوکه شدم. شما این را با خواندن تفسیر متوجه نمی‌شوید. او معنای کلمات و نشانه‌های عیسی را به شیوه‌ای فوق‌العاده برای شما بیان می‌کند.

کمی از تاریخچه تحقیقات یوحنا. تا زمان کشف طومارهای دریای سرخ، انجیل یوحنا در محافل لیبرال‌تر یا انتقادی‌تر، چندان مورد توجه نبود. همه می‌دیدند که این انجیل از سه انجیل اول الهیاتی‌تر است، اما همین باعث شد که توسط جریان اصلی تحقیقات انتقادی به طور منفی تفسیر شود.

بولتمان می‌گوید قرن دوم، شاید اواسط یا اواخر قرن دوم، دیدگاه‌هایی را مطرح کرده بود که از آن زمان بی‌اعتبار شده‌اند. خوب، شباهت بین اندیشه پولس و یوحنا این است که هر دو در آموزه‌های ادیان رمزآلود یا عرفان اولیه سهیم هستند. خوشبختانه اکنون همه اینها رد شده است، اما اندیشه یوحنا، مطالعه یوحنا در میان محققان، به ویژه محققان اصلی‌تر، توسط طومارهای دریای مرده احیا شده است، که یهودیتی را در زمان عهد جدید نشان می‌دهد که بسیار شبیه یهودیت یوحنا بوده است.

بنابراین، او ایده‌هایش را از همه این منابع مختلف یونانی نگرفت، بلکه از عهد عتیق گرفت، همانطور که خودش در مواردی می‌گوید، و اکنون نگاه جدیدی به انجیل یوحنا وجود دارد. من به ریموند براون از مدرسه الهیات یونیون در نیویورک اشاره کردم. مطمئناً او یک سنگر اعتقادی نبود، اما او بخشی از نگاه جدید به انجیل یوحنا بود، و رویکرد او این بود که یوحنا را به عنوان یک سنت جداگانه از سنت هم‌نوا در نظر بگیرد، اما به آن مزیت شک و تردید را بدهد، و این خیلی بیشتر بود، خیلی بهتر از این بود که آن را غیرقابل اعتماد بدانیم، الهیات آن را همانطور که توسط یوحنا اختراع شده است بدانیم، و غیره.

در هر صورت، من از این نویسندگان مختلف چیزهای زیادی آموختم. اگرچه من دیدگاه‌های آنها دیدگاه‌های شخصی آنها را که حتی اطلاعات زیادی در مورد آنها ندارم، تأیید نمی‌کنم، اما می‌خواهم انجیل یوحنا را یاد بگیرم و در صورت لزوم، به غارت مصری‌ها برای انجام این کار اعتقاد دارم. در هر صورت واژگان متمایز، با تکیه زیاد بر سی. کی. بارت، انجیل به روایت یوحنا. سبک یونانی انجیل چهارم بسیار شخصی است.

این عبارت شباهت زیادی به عبارت‌های اول، دوم و سوم یوحنا دارد، در غیر این صورت به تنهایی در عهد جدید وجود دارد. دایره لغات یوحنا کم است، اما با این وجود، بسیاری از کلمات پرکاربرد او نسبتاً به ندرت در انجیل‌های هم‌نوا دیده می‌شوند. برای مثال، دوست داشتن و عشق ورزیدن، آگاپئو، آگاپه، ۴۴ بار در یوحنا و ۳۰ بار در سه انجیل اول به صورت ترکیبی آمده است.

دارم اعداد را خلاصه می‌کنم. حقیقت، درست، درست، دو روش مختلف برای گفتن درست، ۴۵ بار در یوحنا و ۱۰ بار در سایر انجیل‌ها. دانستن، مانند شناخت خدا، شناخت عیسی، ۵۶ بار در یوحنا

بر اساس یک تغییر متنی، یا ۵۶ است یا ۵۷. من حتی به آن اشاره هم نمی‌کنم. پنجاه و شش بار در انجیل «یوحنا، تقریباً به همین مقدار در هر سه انجیل روی هم رفته. من هستم؛ هر بار که از عبارت «من هستم» استفاده می‌شود، در عبارت «من هستم» نیست، اما توجه را به عیسی به عنوان گوینده جلب می‌کند.

پنجاه و چهار بار در یوحنا، ۳۴ بار در سه انجیل اول. متوجه منظورم شدید. کلمه «کار کردن» در یوحنا و اسم «کار کردن» خیلی بیشتر به کار رفته است.

زندگی، خیلی بیشتر در یوحنا. یهودیان، ۶۶ بار در یوحنا، ۱۶ بار در بقیه هر سه انجیل با هم. در درجه اول از رهبران یهودی که از عیسی متنفر بودند صحبت می‌کند، اگرچه استثنائاتی هم وجود داشت.

و در زمان مناسب درباره نیکودیموس و یوسف اهل رامه صحبت خواهیم کرد. دنیا، ۷۸ بار در یوحنا، ۱۳ بار در متی، مرقس و لوقا. ادعای ما این نیست که هرگز به شکلی که یوحنا از آن استفاده می‌کند، استفاده نشده است، اما غلبه آن در یوحنا بسیار زیاد است.

برای داوری کردن، ۱۹ بار در یوحنا، ۱۲ بار در انجیل‌های دیگر. برای شهادت دادن، و سپس دو کلمه متفاوت برای شاهد، ۳۹ یا ۴۰ بار در یوحنا، ۱۲ بار در سه انجیل. پدر خدا، ۱۱۸ بار در مقایسه با حدود ۶۰ بار در سه انجیل اول.

من می‌فرستم، همانطور که در عیسی توسط پدری که مرا فرستاد فرستاده شد، ۳۲ بار در یوحنا، ۱۵ در سه انجیل اول. نور، ۲۳ بار در یوحنا، ۱۵ در سه انجیل اول. برعکس، برخی از عبارات رایج هم‌نوا در یوحنا نادر هستند یا اصلاً وجود ندارند.

غسل تعمید، ده بار در سه انجیل، صفر بار در یوحنا. کلمه غسل تعمید. پادشاهی، ۵ بار در یوحنا، ۱۳۰ بار در سه انجیل اول.

دیو، این یکی خیلی جالبه. ۱۱ در متی، ۱۱ در مرقس، ۲۳ در لوقا. ۶ در یوحنا، هر بار که به عیسی اتهام دیوزدگی زده می‌شود.

در انجیل چهارم هیچ جن‌گیری وجود ندارد. یادتان هست که گفتم آزمایش‌ها وجود دارند اما در اواخر عمر عیسی به حداقل می‌رسند؟ خب، و او تمام مدت در حال محاکمه است؟ خب، یوحنا جن‌گیری‌ها را ثبت نمی‌کند. او به نوعی زمین بازی را خالی می‌کند و به همین دلیل هیچ وسوسه‌ای از جانب شیطان برای عیسی ندارد.

زیرا سپس، با شروع از فصل ۱۳، شیطان یهودا را الهام می‌بخشد، ابتدای فصل ۱۳. شیطان وارد یهودا می‌شود؛ او یهودا را الهام می‌بخشد و در اواخر فصل ۱۳ وارد یهودا می‌شود. او بیرون می‌رود و عمل زشت خود یعنی خیانت به اربابش را انجام می‌دهد.

یوحنا فقط نبرد بزرگ بین عیسی و شاهزاده این جهان که طرد شده است را شرح می‌دهد. به همین ترتیب شیطان توسط مسیح، به طرز طعنه‌آمیزی بر روی صلیب، عادل انسان‌ها، شکست می‌خورد. سی بار در سه انجیل قبلی و صفر بار در یوحنا.

قدرتی همچون معجزه، در یوحنا ۳۰ به ۰. نشان دادن رحمت، رحم کردن، رحم کردن. در یوحنا ۰ تقریباً در مقابل ۴۰ برابر.

برای موعظه انجیل و بشارت، ۰. پسر، مغالطه کلمه انجیل، مغالطه کلمه مفهوم را مرتکب نشو. یوحنا هرگز انجیل را موعظه نمی‌کند، و عیسی هرگز این کار را نمی‌کند، درست است؟ اشتباه است. او چنین کلمه‌ای ندارد، و ۲۲ بار در متی، مرقس و لوقا آمده است، ۰. نه، او انجیل را موعظه نمی‌کند؛ او حقیقتی را می‌آورد که پدری که او را فرستاده بود، به او داد تا با جهان به اشتراک بگذارد تا مردم با ایمان آوردن، حیات جاودان داشته باشند.

این یک اصطلاح متفاوت است. موعظه کردن، ۰ بار در یوحنا، ۳۰ بار در سه انجیل اول. و همینطور ادامه دارد، توبه، توبه کردن و توبه کردن.

متانویا، عدد ۰ در یوحنا، حدود ۲۵ بار در متی، مرقس و لوقا. تمثیل، ۴۵ بار تا عدد ۰ در یوحنا. باجگیر، باجگیر، ۲۰ تا عدد ۰. من عدد سینوپتیک را اول و عدد انجیل یوحنا را آخر می‌آورم.

این موضوع سوالاتی را برای ما ایجاد می‌کند، اینطور نیست؟ چطور می‌توانیم این را توجیه کنیم؟ همانطور که در طول سال‌ها توضیح داده‌ام، گاهی اوقات برای مسیحیان جوان مشکل‌ساز بوده است و من از این بابت متأسفم، اما باید دانش مسیحی را با کسانی که می‌خواهند یاد بگیرند به اشتراک بگذارم. ما به یقین می‌دانیم که هر تفسیری از کتاب اعمال رسولان می‌گوید، و من در مورد اعمال رسولان اشتباه نگفتم، که لوقا خطبه‌ها و سخنرانی‌های کتاب اعمال رسولان را خلاصه کرده است. اولاً، واژگان همیشه واژگان لوقا هستند.

فرقی نمی‌کند که پطرس، استیفان یا پولس صحبت کنند؛ این سخنان لوقا است. بنابراین، ما چه می‌گوییم؟ ما می‌گوییم که خدا از لوقا برای خلاصه کردن سخنان پطرس، استیفان و پولس استفاده کرد تا به سه مورد مهم اشاره کند. استیفان، به دلیل پیام مهمش در سخنرانی فصل هفتم اعمال رسولان.

بن ویتزینگتون سوم منبع بسیار خوبی برای این موضوع است. تفسیر مفصل او، تفسیر اجتماعی-بلاغتی بر اعمال رسولان، باورنکردنی است. درست است که برخی از مورخان رومی، یونانی و رومی با سخنرانی‌ها بازی کرده‌اند.

در واقع، آنها گاهی اوقات آنها را از خودشان می‌ساختند. و البته، تحقیقات انتقادی می‌گفت که لوقا این کار را کرده است. متأسفانه، برخی هنوز هم این کار را می‌کنند.

تفسیر علمی هانسن با این نوع مطالب خدشه‌دار می‌شود. از سوی دیگر، دیگران، از جمله خود ویتزینگتون، جریان کاملاً متفاوتی از مورخان، مورخان یونان-روم باستان را می‌بینند. پولیبیوس به ذهنم می‌رسد، و من اینجا یادداشتی ندارم.

بیش از پولیبیوس وجود دارد، اما این افراد محتاط بودند. آنها پیام گوینده، خطیب، را که نقل می‌کردند، با کلمات خودشان خلاصه می‌کردند. اما نقل قول به معنای کلمه به کلمه نبود.

این به معنای خلاصه کردن سخنان آنها در سخنرانی خودشان بود. ویتزینگتون به درستی نتیجه‌گیری می‌کند، همانطور که سایر انجیلی‌هایی که کتاب اعمال رسولان را مطالعه می‌کنند نیز به این نتیجه رسیده‌اند. این همان چیزی است که ما در کتاب اعمال رسولان داریم.

و چیزی که می‌خواهم بگویم این است که در انجیل‌ها، عیسی تغییر نکرده است. ضمناً، هر کسی که در انجیل چهارم صحبت می‌کند از سبک یوحنا استفاده می‌کند. این سبک یوحنا است، و چه عیسی باشد، چه

یکی از شاگردان باشد، چه راوی باشد، چه یوحنا باشد، چه مریم یا مارتا یا نیکودیموس، همه به سبک یوحنا صحبت می‌کنند.

آیا عیسی شیوه‌ی سخن گفتن خود را تغییر داد؟ بله، آن موعظه‌ها در کنیسه بودند و او به این شیوه سخن می‌گفت. این روش جواب نمی‌دهد زیرا فقط صحبت‌های او نیست. بنابراین، یوحنا سخنان و اعمال عیسی را خلاصه کرد.

حال، ما نمی‌خواهیم روح‌القدس را از این امر مستثنی کنیم. روح‌القدس لوقا را قادر ساخت تا یک انجیل و جلد دوم، اعمال رسولان، را بنویسد. لوقا برای هر دوی این جلد‌ها، به اصطلاح خودش نوشت، لوقا ۱، ۴-۱. به ما می‌گوید که او هر چیزی را که نوشته شده بود دیوانه‌وار مطالعه می‌کرد.

و او می‌نویسد، و خدا بر کلام او نظارت دارد و از طریق آن عمل می‌کند تا خلاصه‌ای کافی از سخنان و اعمال عیسی، و خود صدای عیسی تمایز قائل *ipsissima verba*، عیسی ارائه دهد. محققان بین خود کلمات *Ipsissima vox of Jesus* می‌شوند.

ما کلمات را نداریم، و صدا را داریم. این نکته‌ای است که گاهی اوقات شاگردانم را کمی تکان داده است. این به سادگی نحوه‌ی عملکرد کتاب مقدس است.

ما با یک نظریه شروع نمی‌کنیم و آن را به کتاب مقدس تحمیل نمی‌کنیم. ما درک می‌کنیم که خود کتاب مقدس چگونه کار می‌کند. شاهد آن بیانیه شیکاگو در مورد خطاناپذیری کتاب مقدس است که توسط مسیحیان انجیلی و خطاناپذیران انجام می‌شود که اصرار داشتند انجمن الهیات انجیلی در ابتدا یک شرط داشت.

شما باید به خطاناپذیری ایمان داشته باشید. بیانیه شیکاگو ۵۰ شرط برای اینکه این به چه معناست و چه معنایی ندارد، ارائه می‌دهد. آنها چه می‌کنند؟ آنها سعی می‌کنند نسبت به آنچه کتاب مقدس در مورد خودش می‌گوید، منصف باشند و در عین حال دیدگاه والایی نسبت به کتاب مقدس را ترویج، تأیید، تشویق و دفاع کنند.

من به بی‌خطایی اعتقاد دارم، و همیشه هم داشته‌ام. افرادی که مرا به سوی خداوند هدایت کردند، کتاب مقدس را اینگونه می‌دیدند، و من هرگز دلیلی برای انکار آن نداشتم. آیا من هر آیه‌ای از کتاب مقدس را می‌فهمم؟ البته که نه.

آیا مشکلات وجود دارد؟ البته که وجود دارد. آیا آنها شب‌ها مرا بیدار نگه می‌دارند؟ خیر. افراد دیگری برای کار روی این نوع مسائل فراخوانده شدند.

هدف من به نوعی درک آموزه‌های کتاب مقدس و در این دوره، آموزه‌های یوحنا بود. چیزی که می‌خواهم بگویم این است که خداوند از یوحنا رسول استفاده کرد و همانطور که بی. بی. وارفیلد گفت، بر تمام زندگی او نظارت داشت، به خصوص زمانی که قلم خود را روی صفحه می‌گذاشت تا دقیقاً همان کلماتی را که خدا می‌خواست از او استفاده کند، ارائه دهد. او از سبک خودش برای خلاصه کردن دقیق سخنان و اعمال عیسی استفاده کرد. بنابراین، وقتی او می‌گوید عیسی چنین و چنان گفت، ما همیشه همان کلمات را نداریم.

ما صدای خود عیسی را داریم. در واقع، حتی بهتر از داشتن خود کلمات، خلاصه‌ای از کلمات خدا را داریم، و سپس، از آنجایی که همه انجیل‌ها این را دارند، یوحنا، بیش از بقیه، تفسیر الهام‌شده او از کلمات را دارد. مردم کلمات عیسی را می‌شنیدند و به دلایل مختلف آنها را نمی‌فهمیدند.

تقصیر و تلاش خدا برای سخت کردن آنها زوجی هستند که به ذهن خطور می‌کنند و در جان فعال هستند. به هر حال، این برداشت من از واژگان متمایز جان است. شکی نیست که واژگان او متمایز است.

او اصطلاحات مورد علاقه‌ای دارد که ناچیز هستند یا حتی وجود ندارند. آنها معمولاً وجود دارند اما به تعداد بسیار کم در متی، مرقس و لوقا. از سوی دیگر، آنها اصطلاحات رایجی دارند که او صلاح نمی‌داند. اصلاً به آنها اشاره کند یا به حداقل برساند.

این بهترین کاری است که از دستم برمی‌آید. یادداشت‌های توضیحی. یوحنا رسول اغلب در انجیل خود یادداشت‌های توضیحی ارائه می‌دهد.

اشاره می‌کند که این یادداشت‌ها اهداف مختلفی را، Anchor ریموند براون، در تفسیر کتاب مقدس خود در دنبال می‌کنند. آنها گاهی اوقات نام‌ها و عناوین را توضیح می‌دهند. بنابراین، ما آن را در ۱۳:۸ می‌یابیم.

من فقط می‌خواهم نمونه‌ای از این موارد را انجام دهم، چون امیدواریم قبل از خواب، کیلومترها راه در پیش داشته باشیم. ۱۳:۸. عیسی برگشت و آنها را دید که از پی او می‌آیند.

می‌گوید دو نفر از شاگردانش. بلافاصله هویت آنها را مشخص نمی‌کند. و آیا از او پرسیده شد که دنبال چه می‌گردی؟ و آنها به او گفتند: «ری، کجا اقامت داری؟» و او از آنها دعوت می‌کند که بقیه روز را پیش او بمانند.

آن را در پراوتر قرار ESV خب، مطمئنم که این یک نعمت بود. اما بعد از ری، یوحنا آن را اضافه می‌کند، و می‌دهد، به او می‌گویند ری، که به معنی معلم است. یعنی اگر یوحنا، همانطور که ما معتقدیم، از افسس برای مخاطبان یهودی نوشته باشد، همانطور که متی با انجیل بشارتی خود انجام داد، او نام‌ها و عناوین یهودی را برای کسانی که یهودی نیستند توضیح می‌دهد.

یا در مورد آیه ۴۲ از همان فصل ۱ چطور؟ اندرو برادرش شمعون را نزد عیسی آورد. اینها کلمات قدرتمندی هستند. در اینجا مضمون شهادت در عمل آمده است.

او برادرش را نزد عیسی می‌آورد. عیسی از نظر فیزیکی و فراتر از آن، به او نگاه کرد و گفت: «تو شمعون، پسر یوحنا هستی.» شمعون باریونا، بار-یونا.

تو کیفای نامیده خواهی شد. این یک کلمه آرامی است. و بنابراین، یوحنا تفسیر می‌کند، که منظور پطرس است.

اینها نظرات توضیحی یا ویرایشی هستند که جان برای کمک به خواننده ارائه می‌دهد. همانطور که با سبک، جان کار می‌کنیم، می‌خواهیم به این فکر کنیم که چرا او از برخی از این ویژگی‌ها، گاهی اوقات به طور واضح برای جذب خواننده استفاده می‌کند. در اینجا، برای کمک به خواننده بیچاره تا بفهمد که او در مورد چه چیزی صحبت می‌کند.

گاهی اوقات، او نمادها را توضیح می‌دهد. آیه ۱۲:۳۳ می‌گوید، یکی از راه‌هایی که عیسی از مصلوب شدن خود صحبت می‌کند، به این صورت است که پسر انسان بالا برده می‌شود. آه.

اینجاست. یوحنا ۱۲:۳۳. او گفت، و من، آیه ۳۲، وقتی از زمین بلند کرده شوم، همه مردم را به سوی خود خواهم کشید. او این را گفت تا نشان دهد که با چه نوع مرگی خواهد مرد.

یوحنا ۱۲:۳۳، یوحنا ۱۲:۳۲ را به مصلوب شدن، به مرگ از طریق مصلوب شدن تفسیر می‌کند. بسیاری از خوانندگان ممکن است این را صرفاً با بالا بردن این عبارت ندانسته باشند. داستان طولانی است، اما ما فکر می‌کنیم که از اشعیا ۵۳، پایان ۵۲، آغاز ۵۳ آمده است که از بنده خداوند که متعالی شده، بلند و برافراشته شده صحبت می‌کند.

و از قضا، بالا بردن یوحنا دو معنی دارد. او به معنای واقعی کلمه بر روی صلیب بالا برده شده است. و از قضا، بدترین کاری که مردان می‌توانند با او انجام دهند این است که او را به مرگ وحشتناک مصلوب شدن محکوم کنند.

اما بدترین کاری که می‌توانند با او بکنند، فقط تسریع بازگشت او به سوی پدر است. عروج او به طرز طعنه‌آمیزی معنای مصلوب شدن زشت و تعالی را همزمان دو چندان می‌کند. گاهی اوقات یوحنا از نظرات ویراستاری برای اصلاح سایر چیزهایی که گفته است استفاده می‌کند تا برداشت‌های نادرست را اصلاح کند.

بنابراین، در آیه ۴:۲ از انجیل یوحنا، از تعمیم شاگردان توسط عیسی صحبت می‌شود. آیه ۴:۲ به درستی توسط نسخه الکترونیکی انجیل در داخل پراوتر قرار داده شده است. در این آیه آمده است که خود عیسی تعمیم نداد، بلکه فقط شاگردانش تعمیم دادند.

عیسی به معنای مجاز دانستن غسل تعمیم، غسل تعمیم می‌داد. اما ما عاقلانه فکر می‌کنیم که او آن غسل تعمیم‌ها را با دست‌ان خود انجام نداد. چرا عاقلانه است؟ داری شوخی می‌کنی؟ من توسط استاد غسل تعمیم داده شدم.

قول می‌دهم. بنابراین، در ۴:۲ و ۶:۶، یوحنا برداشت‌های نادرست را اصلاح می‌کند. گاهی اوقات، یوحنا وقایع را با توضیحی به وقایع دیگر مرتبط می‌کند.

به ما می‌گوید که کدام مریم بود. مردی بیمار بود، ایلعازر از بیت‌عنیا، روستای مریم، و خواهرش ۱۱:۲ مرتا. این مریم بود که خداوند را با روغن مسح کرد و پاهای او را با موهایش خشک کرد.

فقط به طور گذرا می‌گوییم، به نظر می‌رسد که این اتفاق بیش از یک بار در انجیل‌ها رخ داده است. اما در اینجا، یوحنا این مریم را به عنوان کسی که این کار را انجام داده معرفی می‌کند. و، او، خدای من، من معتقدم که این رویداد در این انجیل ثبت نشده است.

امیدوارم در این سخنرانی‌ها اطلاعات غلط ارائه ندهم. فکر می‌کنم اینجا جایی است که جان به سنت هم‌نوا (سینوپتیک) تکیه می‌کند. در هر صورت، این [سنت] خلق می‌کند، رویدادها را به رویدادهای دیگر مرتبط می‌سازد.

گاهی اوقات، یوحنا از یادداشت‌های توضیحی یا یادداشت‌های ویرایشی برای شناسایی شخصیت‌ها استفاده می‌کند. بنابراین، یوحنا ۷:۵۰ نیکودیموس را به عنوان کسی که در فصل ۳ درباره‌اش آموختیم، معرفی می‌کند. نیکودیموس، که قبلاً نزد او رفته بود و یکی از آنها بود، به آنها گفت که عضو سنهدرین است و قبلاً، در فصل ۳، نزد عیسی آمده بود. مطالعه نیکودیموس در سراسر انجیل جذاب است و ما هنگام مطالعه کلیسا نگاهی اجمالی به آن خواهیم داشت زیرا یوحنا آموزه کلیسا را نه تنها با در نظر گرفتن قوم خدا به صورت جمعی به عنوان گوسفندان، به عنوان مثال کسانی که در تاک ساکن هستند، بلکه با برجسته کردن

افرادی که برای ما الگو هستند، آموزش می‌دهد. و نیکودیموس نمونه‌ای از یک شاگرد مخفی است که به شاگرد عمومی تبدیل می‌شود.

این مرد با بدن مصلوب عیسی همذات‌پنداری می‌کند. این واقعاً شگفت‌انگیز است - دیگر بس است.

جان یادداشت‌های ویراستاری ارائه می‌دهد. او مورخ و همچنین متخصص الهیات است. و در اینجا، در هر دو مقام، او به توضیح سخنان خود کمک می‌کند.

سوءتفاهم‌ها، اوه، اینها جذاب هستند. یوحنا شامل... یوحنا رسول به طور بسیار موثری از سوءتفاهم‌ها در انجیل خود استفاده می‌کند.

اغلب، شنوندگان عیسی او را اشتباه می‌فهمند. او از واقعیت‌های معنوی صحبت می‌کند، و شنوندگانش صرفاً در سطح زمینی فکر می‌کنند. این بسیار جذاب است.

بیاید با هم به این موارد نگاهی بیندازیم. ۴:۱۲. این یکی از راه‌هایی است که جان خواننده و حتی احساسات خواننده را درگیر می‌کند.

بخشید، ۲:۲۰. عیسی معبد را پاکسازی کرده است، عملی نسبتاً گستاخانه. چه نشانه‌ای، ۲:۱۸، برای انجام این کارها به ما نشان می‌دهید؟ یهودیان گفتند، رهبران یهود.

عیسی پاسخ داد: «این معبد را ویران کنید و من در سه روز آن را برپا خواهم کرد.» یهودیان گفتند: «۴۶ سال طول کشیده است تا هیرودیس معبد را بازسازی کند.»

و تو قراره سه روز دیگه اونو زنده کنی؟ دیوونه شدی؟ این میاد... در واقع، هر دو به نظر سرمقاله‌ای هستن. این به سوءتفاهم از طرف اونا بوده، و اینجا، یوحنا توضیح میده. اما او داشت در مورد معبد بدنش صحبت می‌کرد، بنابراین، از مردگان زنده شد.

شاگردانش به یاد آوردند که او این را گفته بود، و به کتاب مقدس و کلامی که عیسی گفته بود ایمان آوردند. سوء تفاهم ایجاد می‌کند. و هدف آن برای خواننده این است که بگوید، وای، عیسی رستاخیز خود را 2:20 پیشگویی کرد.

این نمونه‌ای از تفاوت نوشته‌ی یوحنا با انجیل‌های هم‌نوا است. در انجیل‌های هم‌نوا، حداقل سه یا چهار بار در متی، عیسی پیش‌بینی می‌کند که قرار است تسلیم شود، توسط پسر انسان به او خیانت شود، به او خیانت شود، به دست کاتبان و فریسیان سپرده شود، در روز سوم مصلوب شود و دوباره زنده شود. یوحنا این کار را به صورت نمادین‌تری انجام می‌دهد.

او خیانت به عیسی و دستگیری او را روایت می‌کند. اما در اینجا، او این نمادگرایی را دارد. از طریق این سوءتفاهم، این نمادگرایی به اثبات صحت کتاب مقدس کمک می‌کند.

خدای من، شاگردان سخنان عیسی را با کتاب مقدس هم‌تراز کردند. آیه ۲۲. این باورنکردنی است.

و این بر اساس یک سوءتفاهم بنا شده بود. سه، چهار خیلی احمقانه است. نیکودیموس معلم اسرائیل است.

فعلاً همین طوری می گویم. بعداً، تضاد بزرگ بین او و زن سامری را نشان خواهیم داد. اما این مرد نه تنها عضو سنهدرین و فریسی است، بلکه یک معلم است، یک معلم مهم.

عیسی می گوید نیکودیموس، مگر اینکه دوباره متولد شوی، نمی توانی پادشاهی خدا را ببینی. نیکودیموس می گوید، چگونه ممکن است انسانی که پیر شده است، متولد شود؟ آیا می تواند بار دیگر وارد رحم مادرش شود تا متولد شود؟ شوخی می کنی؟ این درست در بالای مقیاس احمقانه، به سمت بالا است. او، یوحنا چه چیزی را نشان می دهد؟ او این سوء تفاهم عظیم را نشان می دهد.

و باز هم، نیکودیموس در نهایت در سمت درست ماجرا قرار می گیرد. و آمدنش به نزد عیسی در شب، من از او به خاطر این موضوع انتقاد نمی کنم. آمدنش باورنکردنی است.

به نظر می رسد که او صادقانه می خواهد درباره عیسی بیشتر بداند. اما عیسی با او لج می کند و می گوید: «تو.» بچه مهدکودکی هستی. تو هیچ چیز درباره پادشاهی خدا نمی دانی.

خدای من. تو معلم اسرائیل هستی. مشکل تو چیست، آیه ۱۰؟ آیا تو معلم اسرائیل هستی؟ با این حال تو این چیزها را نمی فهمی.

آیا حزقیال ۳۶ را نمی شناسی؟ به خاطر پیت، همین را بگو. او گستاخ یا بی ادب نیست، بلکه قوی است. و این دقیقاً همان چیزی است که نیکودیموس به آن نیاز دارد.

اون باید تکون بخوره. و اون این حرف احمقانه رو میزنه. او، چه سوء تفاهمی

این جهل او را آشکار می کند. و به نظر می رسد که او آسیب پذیر است. در فصل ۷، او از عیسی دفاع می کند.

در فصل ۱۹، او از بدن مصلوب عیسی درخواست می کند که آن را دفن کنند، در مقبره ای قرار دهند. و او. ما در حال کار بر روی این سوء تفاهم ها هستیم، ۴۱۵.

آیا در این مورد اشتباه کردم؟ هوم. ۴:۱۵. او، بله، عیسی می گوید، آبی که من به کسی که در او است می دهم، آبی خواهد شد که تا حیات جاودان می جوشد.

یوحنا ۴:۱۴، زن به او گفت: «آقا، این آب را به من بده تا تشنه نشوم و مجبور نباشم برای کشیدن آب به اینجا بیایم.» این مثالی از دوگانگی است. او آب زنده را می شنود.

صدای آب جاری را می شنود. و با خودش فکر می کند، خدای من، آیا نهری نزدیک خانه ام هست که من از آن بی خبرم؟ خیلی خوب می شد. به جای اینکه این همه راه بیاید.

و البته، عیسی از آب زنده صحبت می کند. در واقع، تشخیص این موضوع کمی دشوار است. یا روح القدس است که حیات جاودان می دهد یا حیات جاودان توسط روح القدس داده می شود.

می گویم حیات جاودان. مطمئن نیستم. اما یکی از نمادهای اوست.

به گفته آندریاس کوستنبرگر، الهیات انجیل یوحنا در نامه هایش، آب، نان و نور سه نماد بزرگ او هستند. و این درست است. نمادهای بیشتر.

اما این سه مورد خیلی مهم هستند. او درباره حیات جاودان که توسط روح القدس عطا می‌شود صحبت می‌کند. او درباره آب روان فکر می‌کند.

او اشتباه می‌فهمد. و خواننده مسیحی ممکن است بخندد. شاید بگوید، خانم، شما نمی‌فهمید

او ما را به درون خود جذب می‌کند. او از طریق این روش‌ها ما را در داستان درگیر می‌کند. یکی دیگر

این جایزه بهترین رو میگیره. او، متاسفم. ۱۱:۵۰

من مدام جای اشتباه می‌پریم. ۶:۲۶. این جایزه‌ی طنزآمیزترین لحظه را گرفت

، و این یک سوءتفاهم است. اما من آن یکی را، ساعت ۱۱:۵۰، کمی بعد انجام خواهم داد. اما ساعت ۶:۲۶ جمعیت

عیسی به جمعیت، آن ۵۰۰۰ نفر، غذا می‌دهد. آنها قایق‌ها را می‌شمارند. و به آن سوی دریا می‌روند

. آنها آن طرف هستند. و قایق‌ها را می‌شمارند. و می‌گویند، یک دقیقه صبر کنید

شاگردان با قایق آمدند. عیسی با قایق نیامد. چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ او چگونه عبور کرد؟ اینجا یک چیزی قاطی شده است

و خاخام، کی اومدی اینجا؟ قایقی هست که ما ازش خبر نداریم؟ او نا حتی به راه رفتن روی آب هم فکر نمی‌کنن. این حتی تو دایره لغاتشون هم نیست. اما اون می‌فهمه

او به قلب می‌رود. در انجیل‌های دیگر، عیسی شخص را می‌خواند و افکار شیطانی او را می‌گوید و می‌داند و گاهی اوقات به آن افکار اشاره می‌کند. در اینجا، او می‌گوید، به راستی، به راستی، به شما می‌گویم، شما به دنبال من نیستید زیرا نشانه‌هایی را دیدید، به معنای ۲۰:۳۰ و ۳۱

. این نشانه‌ها نوشته شده‌اند تا شما ایمان بیاورید و حیات جاودان به دست آورید، درست است؟ نه، نه، نه آنها به این دلیل و برای این منظور به دنبال او نیستند. آنها یک وعده غذای رایگان دیگر می‌خواهند

. او نا برای جایزه اونجان. یه بوفه رایگان دیگه چیزیه که می‌خوان. این یه سوءتفاهم بوده

این به برجسته کردن سخاوت عیسی، هویت او و حتی مقابله او با گناهکار بودنشان کمک می‌کند، که چیز خوبی است. ویژگی دیگر، کنایه است. ریموند براون، باز هم از مجله تفسیر کتاب مقدس انکر، می‌نویسد، من، نقل قول می‌کنم، که مخالفان عیسی عادت دارند اظهاراتی در مورد او بیان کنند که توهین‌آمیز، طعنه‌آمیز، باورنکردنی یا حداقل ناکافی، به معنایی که مد نظر آنهاست، باشد

با این حال، از قضا، این گفته‌ها اغلب به معنایی که خودشان متوجه نیستند یا قصد بیانش را ندارند، درست یا معنادارتر هستند. مبلغ مذهبی به سادگی چنین گفته‌هایی را مطرح می‌کند و آنها را بی‌پاسخ می‌گذارد، زیرا مطمئن است که خوانندگان مؤمنش حقیقت عمیق‌تر را خواهند دید. در مورد جذب خوانندگان صحبت کنید.

یک زن سامری. وای، او واقعاً در مسیر شگفت‌انگیزی قرار دارد، ۴:۱۲، ۴:۱۲.

خدای من. از او نوشیدنی خواست و گفت اگر او می‌دانست او چه کاره است، از او کمی آب حیات می‌خواست. و او، البته، اشتباه فهمیده است.

آقا، چاه عمیق است و شما حتی سطل هم ندارید. چطور می‌خواهید آب بیاورید؟ و بعد آیه ۱۲. آیا شما از پدر ما، یعقوب، بزرگتر هستید؟ یحیی به ما گفته است که چاه یعقوب اینجاست.

آیا تو از پدرمان، یعقوب، بزرگتری؟ این یک سوء تفاهم است، اما خیلی طعنه آمیز است. و خواننده مسیحی نمی‌تواند خودش را کنترل کند. داری شوخی می‌کنی؟ او از یعقوب بزرگتر است، همانطور که خالق از مخلوق بزرگتر است.

او از یعقوب بزرگتر است، همانطور که منجی از نجات یافتگان بزرگتر است. بله، او از یعقوب بزرگتر است، یا در مورد آیه ۷:۴۲ چطور؟ همانطور که در خلاصه بررسی آنچه که قرار است پوشش دهیم اشاره کردیم، اغلب دو پاسخ به عیسی وجود دارد.

یوحنا ۷۴۰. وقتی این سخنان را در عید خیمه‌ها شنیدند، او گفت که نهرهای حیات خواهد بخشید و آبی را که خدا در مراسم آب‌پاشی در عید فراهم کرده بود، فراهم خواهد کرد. مردم گفتند که این واقعاً پیامبر است.

برخی دیگر گفتند که او مسیح است. هر دو پاسخ مثبت بودند. اما برخی گفتند، آیا مسیح قرار است از جلیل ظهور کند؟ مگر کتاب مقدس نگفته است که مسیح از نسل داوود و از بیت لحم، روستایی که داوود در آن بود، می‌آید؟ بنابراین، در میان مردم بر سر او اختلاف افتاد.

بعضی‌ها گفتند، ببینید، اینها سخنان پیامبر از تثنیه ۱۸ است، مثل موسی. و او. و بعضی دیگر می‌گویند این همان موعود است.

این مسیح است. دیگران گفتند، نه، نه، نه، نه. مگر عهد عتیق را نمی‌دانید؟ این مرد اهل جلیل است.

ما از عهد عتیق می‌دانیم که مسیح از بیت لحم خواهد آمد. خواننده مسیحی می‌گوید، وای! او واقعاً از بیت لحم می‌آید. بعداً، خانواده به جلیل نقل مکان کردند.

اشتباه متوجه شدی. تو نمی‌فهمی. دلیل تو برای رد کردن او، یا حداقل زیر سوال بردنش، در واقع دلیلی برای باور کردن اوست.

چون او آن الزام کتاب مقدسی را که شما ذکر کردید، برآورده می‌کند. بزرگترین طنز ماجرا در آیه 11:50 است. خدای من.

وقتی عیسی، ایلعازر را زنده کرد، این موضوع جنجال بزرگی ایجاد کرد و مشکلات رهبری یهود را تشدید کرد. رهبری که فارغ از هر آنچه عیسی می‌گفت یا انجام می‌داد، با او مخالف بود. آنها این حرف را باور نمی‌کنند. یوحنا ۱۱:۴۵ بنابراین، بسیاری از یهودیان که با مریم آمده بودند و آنچه را که او انجام داد دیده بودند، به او ایمان آوردند.

منظور از یهودیان آنها رهبران یهودی نیست. منظور مردم یهود است. اما برخی از آنها نزد فریسیان رفتند و به آنها گفتند که عیسی چه کرده است.

«دروغ‌گویی. بنابراین، کاهنان اعظم و فریسیان، شورا، سنهدرین، را جمع کردند و گفتند: «چه باید بکنیم؟ زیرا این مرد معجزات زیادی انجام می‌دهد. بعداً، تلمود عیسی را به جادوگری و انجام این کارها متهم می‌کند»

آنها عنصر معجزه‌آسا را تصدیق کردند، اما آن را به خدا نسبت ندادند و عیسی را مسیح یا حتی یک پیامبر واقعی نامیدند. او یک پیامبر دروغین است. او نشانه‌های شیطانی انجام می‌دهد، نه نشانه‌های مسیحایی.

اگر بگذاریم او همین‌طور ادامه دهد، همه به او ایمان خواهند آورد، و رومی‌ها خواهند آمد و هم مکان و هم ملت ما را از ما خواهند گرفت. مکان، احتمالاً معبد. یکی از آنها، قیافا، که در آن سال، یعنی آن سال سرنوشت‌ساز، کاهن اعظم بود، به آنها گفت: شما اصلاً هیچ چیز نمی‌دانید.

یوسفوس می‌گوید که صدوقیان با سخنان پی‌ادبانه مشخص می‌شدند. قیافا این را نشان می‌دهد. و همچنین نمی‌فهمید که برای شما بهتر است که یک نفر برای مردم بمیرد، نه اینکه تمام قوم نابود شوند.

او این را از جانب خودش نگفت. خب، البته، او در یک سطح این کار را کرد، اما در نهایت، او این را از جانب خودش نگفت. اما چون در آن سال کاهن اعظم بود، پیشگویی کرد که عیسی برای ملت خواهد مرد و نه فقط برای ملت، بلکه برای گرد هم آوردن فرزندان خدا که در خارج پراکنده بودند.

بنابراین، از آن روز به بعد، آنها نقشه قتل او را کشیدند. قیافا اظهاراتی از روی مصلحت سیاسی بیان می‌کند. این قصد اوست.

اما خدایا، در مورد طنز و غیرمنتظره بودن صحبت کن. طنز طنزها این است که کاهن اعظم، در مقام رسمی خود، سخنی از مصلحت سیاسی می‌گوید، اساساً می‌گوید که ما باید عیسی را از صحنه روزگار محو کنیم. ما باید او را بکشیم.

ما باید او را از بین ببریم. اما سخنان او پیشگویی طعنه‌آمیز و ناخواسته‌ای از کفار جایگزین عیسی است. برای شما بهتر است که یک نفر برای مردم بمیرد، نه اینکه تمام ملت نابود شود.

خب، یک نفر واقعاً برای مردم مرد. شگفت‌انگیز است که اعمال رسولان فصل ۶ به ما می‌گوید که حتی بسیاری از کاهنان، یعنی لاویان، مطمئناً به او ایمان داشتند. از آنجا که عیسی شجاعت مخالفت با آنها را داشت، از آنجا که خدا حتی از طریق این دشمنان عیسی نیز شهادت داد، خدا با لطف خود بسیاری از مردم را به سوی شناخت پسرش سوق داد، زیرا رسولان انجیل را اعلام می‌کردند.

ما در سخنرانی بعدی خود به سبک یوحنا پی‌ادامه خواهیم داد و به مواردی مانند تقاطع، تنوع و مضامین عهد عتیق خواهیم پرداخت.

این سخنرانی دکتر رابرت ای. پترسون در تدریس الهیات یوحنا پی‌است. این جلسه دوم، سبک یوحنا پی، بخش اول است.